

## بازیابی متون کهن امامی در آثار شیخ صدوق

محمد کاظم رحمتی

### چکیده

بخش اعظمی از متون اولیه و کهن و امامیه که در قرون دوم و سوم تألیف شده بود، اینک به صورت مستقل موجود نیست، اما این آثار - که نام بیشتر آنها در متون رجالی کهن امامیه بخصوص رجال شیخ طوسی و نجاشی آمده است - پایه‌ای برای تألیف آثار عالمان امامیه در قرون سوم و چهارم و حتی دوره‌های متأخر بوده است. یکی از عالمانی که بخش اعظمی از میراث امامیه را در ضمن آثار خود نقل نموده، محمد بن علی بن حسین مشهور به شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ق) است. نوشتار حاضر، تأملی از این زاویه بر آثار شیخ صدوق، خاصه با تکیه بر دو تألیف وی، عیون اخبار الرضا<sup>علیه السلام</sup> و التوحید است.

**کلید واژه‌ها:** اصل، کتاب، محدثان، تخریج.

محمد بن علی بن حسین مشهور به شیخ صدوق، عالم امامی نامدار اواخر عصر غیبت صغری و دهه‌های نخستین غیبت کبری، و یکی از چهره‌های ممتاز تاریخ حدیث شیعه است. با وجود آن که آثار متعدد شیخ صدوق به چاپ رسیده، اما هنوز آن گونه که شایسته است، مورد توجه محققان قرار نگرفته است.<sup>۱</sup>

یکی از جنبه‌های با اهمیت آثار شیخ صدوق، امکان بازیابی و بازسازی بخش اعظمی

۱. برای بحثی مقدماتی از اهمیت آثار شیخ صدوق بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «نکاتی درباره اهمیت آثار شیخ صدوق» علوم حدیث، شماره ۳۰ (زمستان ۱۳۸۲)، ص ۱۹۶-۲۴۹.

از متون اولیه امامیه است. شیخ صدوق، در عصری می‌زیسته است که متون و مجامع حدیثی شیعه به طور مدون موجود بوده‌اند و طبعاً شیخ صدوق در مقام یک محدث، همانند دیگر محدثان، از این آثار به دو صورت نقل حدیث کرده است. برخی از صاحبان این آثار، از مشایخ شیخ صدوق بوده‌اند و او به طرق متداول تحمل حدیث (سماع، اجازه، قرائت، مناو له و کتابت) از آنها حدیث نقل کرده است. بخشی دیگر از متونی که شیخ صدوق از آنها نقل حدیث کرده است، مدونات حدیثی کهن اوایل، قرن دوم و سوم بوده و طبیعی است که شیخ صدوق از این آثار به واسطه مشایخ مجیز خود روایت کرده و اصطلاحاً روایاتی از این آثار را در کتاب‌های خود تخریح کرده است.<sup>۱</sup>

در این نوشتار مطلبی نیز درباره تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام آمده است. درباره مؤلف این تفسیر، بحث‌های زیادی مطرح شده است و بسیاری از علمای معاصر درباره مؤلف این تفسیر سخن گفته‌اند. در این نوشتار، با ارائه شواهدی نشان داده شده است که این تفسیر همان کتاب التفسیر است که توسط نجاشی و شیخ طوسی در زمرة آثار شیخ صدوق معرفی شده است. البته بحث از وثاقت احادیث این کتاب، همانند هر کتاب حدیثی دیگر باید با همان شیوه‌های رایج صورت گیرد و انتساب این کتاب به شیخ صدوق، دلیلی بر وثاقت روایات آن نیست. اما تردیدی نیست که برخی از نظرات ابراز شده درباره این تفسیر، بیشتر از آن روی بوده که گمان می‌شده است، شیخ صدوق تنها یک راوی در سلسله سند این کتاب به شمار می‌رود حال آن که بزرگانی که درباره عدم اصالت این تفسیر سخن گفته‌اند، اگر شواهد دال بر تألیف این کتاب را به شیخ صدوق دیده بودند، با چنان قاطیعتی درباره این تفسیر قضاوت نمی‌کردند.

پیدایش و تکوین دانش حدیث، گرچه به همان قرن اول هجری باز می‌گردد، اما در باب مسئله کتابت حدیث و رسمیت یافتن این کار و زمان آن، میان محققان اختلاف جدی وجود دارد. نخستین بار ژوزف شاخت، در کتاب مقدمه‌ای بر فقه اسلامی، این عقیده را مطرح کرد که متون اسلامی بر خلاف ادعایی که می‌شود در زمانی بسیار متأخر از آنچه که گمان می‌شده، تدوین شده‌اند. تردیدهای شاخت، گرچه امروز به آن صورت

۱. در نگارش این مقاله از برنامه نرم‌افزاری نور ۲ استفاده کرده‌ام. از این رو تنها از آثار شیخ صدوق که در این برنامه وجود داشته، بهره برده‌ام.

که او مطرح کرد، کمتر مورد پذیرش است اما به طرح مسئله مهم کتابت و شیوه های آن در قرون اولیه منتهی شد.

در هر حال این مسلم است که تدوین به صورت ابتدایی، حداقل از اواخر دوران اموی و اوایل عصر عباسی آغاز شده است. این مکتوبات ابتدایی در اختیار محدثان بعدی بوده و در تألیف آثارشان مورد استفاده بوده است. اما روش متداول در میان محدثان در نقل از این گونه متون، تنها اتصال اسناد خود به سلسله روایت این آثار است و این دشواری را در شناسایی این گونه متون فراهم آورده است. یکی از عالمان پر اثر امامیه که از این گونه آثار در تألیفات خود فراوان بهره برده، محمد بن علی بن حسین مشهور به شیخ صدوق است.<sup>۱</sup>

گفته شد که عالمان قرن سوم و چهارم به هنگام نقل از متون قرن اول و دوم، سلسله سند خود را، همراه با سلسله سند مؤلف کتاب به امام یا راوی دیگر، به آن آثار متصل کرده اند.<sup>۲</sup> عدم تمایز میان سلسله سندها، شفاهی بودن روایات و مکتوب شدن آنها رادر زمانی متأخرتر به ذهن متبادر می کند. اما اگر با توجه به این موضوع به کتاب های رجالی و متون حدیثی مراجعه کنیم، می توانیم بخش هایی از متون کهن را از آثار قرن چهارم و پنجم، بویژه آثار شیخ صدوق استخراج کنیم. نمونه هایی که در این جا آورده شده، تنها مثالی از این موضوع است.

۱. مواردی نیز وجود دارد که شیخ صدوق خبری را از مؤلف اثری نقل کرده است که این موارد نیز باید در این بخش ذکر شود. مهم ترین مثال از این دست، نقل شیخ صدوق از کتاب المواعظ و الزواجر تألیف ابوالاحمد عبدالله بن سعید عسکری (متوفی ۳۸۲ق) است. معانی الاخبار، ص ۳۶۰-۳۶۲. این مطالب در الطوائف (ج ۲، ص ۴۱۷) نیز آمده است. در سلسله سند تصحیح شده در الطوائف تصحیفاتی وجود دارد. درباره کتاب المواعظ و الزواجر بنگرید به اتان کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس، ص ۳۷۷-۳۷۹، ۶۰۶-۶۰۷.
۲. خوشبختانه اینک تألیف مهم آقای سید حسین مدرسی با عنوان میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ترجمه سید علی قرانی و رسول جعفریان (قم، ۱۳۸۳ش) به چاپ رسیده و در این کتاب از این جهت به آثار شیخ صدوق توجه کاملی شده است. برخی از موارد مهم که ایشان اشاره کرده اند، چنین است: ۱. کتاب المسائل التي اخبر بها امير المؤمنين اليهودي تأليف حارث بن اعور همداني که متن کامل آن در خصال شیخ صدوق (ج ۲ ص ۳۶۵-۳۸۲) آمده است (مدرسی، ص ۹۰). ۲. اختلاف الثامن في الامامة تألیف هشام بن حکم که متن کامل آن در کتاب کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق (ج ۱، ص ۳۶۲-۳۶۸) آمده است (میراث مکتوب شیعه، ص ۳۲۳-۳۲۴ با قید احتمالاً).

## کتاب الجبر والاستطاعة ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی

شیخ صدوق در آغاز کتاب التوحید (ص ۱۷-۱۸) علت نگارش کتاب خود را چنین توضیح داده است:

إن الذی دعانی إلی تألیف کتابی (یعنی التوحید) هذا أنى وجدت قوماً من المخالفین لنا ینسبون عصابتنا إلی القول بالتشبیہ والجبر لما وجدوا فی کتبهم من الأخبار التی جهلوا تفسیرها و لم یعرفوا معانیها و وضعوا فی غیر موضعها و لم یقابلوا بأفاظها ألفاظ القرآن فقبحوا بذلك عند الجهال صورة مذهبنا و لبسوا علیهم طریقتنا و صدوا الناس عن دین الله و حملوهم علی جحود الله فتقربت إلی الله تعالی ذکره بتصنیف هذا الکتاب فی التوحید و نفی التشبیہ والجبر....

احتمالاً منظور شیخ صدوق از خرده گیران بر شیعه (عصابتنا)، معتزله یا زیدیه باشد. می دانیم که این دو جریان علاوه بر ایرادات دیگری که بر شیعیان می گرفتند، در مسئله جبر و تشبیه، اصرار فراوان تری داشته اند. برای مثال ابوالحسین خیاط (متوفی حدود ۳۰۰ق) در اشاره به دیدگاه های شیعه در این مسائل نوشته است:

و أما جملة قول الرافضة فهو أن الله عزوجل ذو قد و صورة و حد یتحرک و یسکن و یدنو و یبعد و یخف و یثقل و ان علمه محدث و أنه کان غیر عالم فعلم و أن جمیعهم یقول بالبدء و هو أن الله یخبر أنه یفعل الأمر ثم یدنو له فلا یفعله. هذا توحید الرافضة بأسرها إلا نفرأ منهم یسیراً أصحابوا المعتزل و اعتقدوا التوحید فنفتهم الرافضة عنهم و تبرأت منهم (الانتصار، ص ۱۳۶).

بنا بر این، شیخ صدوق در این کتاب (التوحید) می بایستی با بهره گیری از روایات و آثار کهن تر امامیه، در رد عقیده به تشبیه و جبر مطالبی را نقل کند. یکی از این مصادر، کتاب الجبر و الاستطاعة نوشته عالم امامی ساکن ری، ابوالحسین محمد بن جعفر بن

در فصلنامه

شماره اول  
بهار و تابستان ۸۵

محمد کاظم رحمتی

عون اسدی است. نجاشی (متوفی ۴۵۰ ق) درباره ابن عون اسدی نوشته است: «ابوالحسین محمد بن جعفر بن عون اسدی کوفی، در شهر ری ساکن است. به او محمد بن ابی عبدالله نیز گفته‌اند (یعنی به این نام شهرت داشته است)؛ فردی ثقة و صحیح الحدیث بوده است، جز آن‌که از افراد ضعیف نیز روایت نقل می‌کرده است. وی از جمله کسانی بوده که قائل به جبر و تشبیه بوده است. پدر وی (یعنی جعفر بن عون اسدی) از بزرگان امامیه بوده است و احمد بن محمد بن عیسی از او روایت نقل کرده است.

محمد بن جعفر اسدی کتابی به نام الجبر و الاستطاعة دارد. تمام آثار او را ابوالعباس بن نوح از حسن بن حمزه از محمد بن جعفر اسدی گزارش کرده است. ابوالعباس همچنین گفته است که ابوالحسین محمد بن جعفر در شب پنج‌شنبه، ده روز باقی مانده از جمادی‌الاولی سال ۳۱۲ ق، در گذشته است. ابن نوح (طریق دیگر روایت آثار او) همه آثار او را از ابوالحسن بن داود از احمد بن حمدان قزوینی از ابن عون نیز روایت کرده است (الرجال، نجاشی، ص ۳۷۳).

از این عبارت مشخص می‌شود که مشهورترین کتاب ابن عون اسدی، اثری به نام الجبر والاستطاعة بوده است که احتمالاً با توصیفی که نجاشی از عقاید او آورده (و کان یقول بالجبر والتشبهه)، دربردارنده چنین عقایدی نیز بوده است.

شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ق) نیز از محمد بن جعفر اسدی یاد کرده و از این کتاب با عنوان الرد علی أهل الاستطاعة سخن گفته است (الفهرست، ص ۱۵۱). این کتاب را شیخ طوسی از گروهی از روات امامیه از هارون بن موسی تلکبری (متوفی ۳۸۵ ق) از مؤلف روایت کرده است. اهمیت کتاب التوحید شیخ صدوق، در این است که بیش از پنجاه روایت از کتاب الجبر والاستطاعة ابن عون را دربردارد. به عبارت دیگر شیخ صدوق، روایاتی را از این کتاب تخریج، و در کتاب التوحید به نقل از مشایخ خود و راویان آثار ابن عون نقل کرده است. شیخ صدوق روایات خود از کتاب ابن عون را از چهار راوی کتاب وی نقل کرده است. نام این افراد چنین است:

- علی بن احمد بن محمد بن عمران دقاق. شیخ صدوق بیشترین روایات را از طریق این فرد که ظاهراً از عالمان امامیه ری بوده است، از ابن عون نقل کرده است. موارد نقل

شده به این سند چنین است: التوحید، ص ۴۱-۴۴، ۴۸-۶۷، ۹۹-۱۰۰، ۱۰۷-۱۰۸، ۱۱۳-  
 ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۵۱-۱۵۴، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۱-۱۷۲، ۱۷۸-۱۷۹،  
 ۱۸۴-۱۹۲، ۱۹۴-۲۲۴، ۲۲۵-۲۸۴، ۲۹۰-۳۰۸، ۳۰۹-۳۱۹، ۳۲۴-۳۶۲، ۳۸۲-۴۰۲-  
 ۴۰۳-۴۵۷-۴۵۸<sup>۱</sup>.

- محمد بن احمد شیبانی (سنائی) که این موارد از او نقل شده است: التوحید،  
 ص ۲۰، ۹۶، ۱۸۳-۱۸۴ و ۴۰۳<sup>۲</sup>.

- محمد بن موسی بن المتوکل: التوحید، ص ۱۹، ۲۵، ۲۸۰<sup>۳</sup>.

- حسین بن ابراهیم بن احمد بن شام المکتب: التوحید، ص ۹۵، ۲۲۴، ۲۸۹<sup>۴</sup>.

تأمل در اسناد برخی از این روایات، مؤید حدس نگارنده در تخریج روایات

۱. این فرد برای شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا<sup>علیه السلام</sup> و آثار دیگر او، روایاتی از اسدی نقل کرده است. اما  
 موضوع برخی از این احادیث به مسئله جبر و استطلاعت مربوط نیست و احتمالاً نقل از آثار دیگر اسدی یا اثر  
 کهن تر امامی باشد. ر.ک: عیون اخبار الرضا<sup>علیه السلام</sup>، ج ۱، ص ۱۳، ۵۹، ۱۱۹ (صفات خدا)، ۱۳۳ (توحید)، ۲۵۸،  
 ۳۱۳ و ج ۲، ص ۲۴، ۸۳، ۸۸، ۱۴۰، ۱۷۵، ۲۱۳، ۲۳۵، ۲۷۲؛ فضائل الأشهر، ص ۳۸؛ کمال الدین و تمام  
 النعمة، ج ۱، ص ۱۳۵ و ج ۲، ص ۳۵۸؛ معانی الاخبار، ص ۶۲، ۳۸۷.  
 ۲. برای روایات دیگر این فرد از اسدی ر.ک: الامالی، ص ۱۵، ۲۰، ۱۵۰، ۲۴۳، ۲۷۹، ۳۰۰، ۳۳۱، ۳۶۵، ۴۱۰،  
 ۶۵۷؛ الخصال، ج ۲، ص ۵۴۳؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۳، ۳۴ (محمد بن احمد اسدی ظاهراً تصحیف  
 محمد بن جعفر اسدی است)، ۶۸، ۱۳۱، ۱۷۳، ۲۰۱، ۲۳۴ و ج ۲، ص ۴۰۵، ۵۱۴؛ عیون اخبار الرضا<sup>علیه السلام</sup>، ج ۱،  
 ص ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۳۸، ۲۸۸ و ج ۲، ص ۲۴، ۸۸، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۳۲، ۲۵۵، ۲۶۰، ۲۷۲؛ فضائل الأشهر، ص ۱۸،  
 ۱۲۳؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۳، ۳۱۹، ۳۲۲ و ج ۲، ص ۳۷۷، ۵۲۰، ۵۲۴؛ معانی الاخبار، ص ۱۳۱، ۱۳۹،  
 ۲۲۳، ۳۱۶، ۳۶۸.

۳. درباره روایات دیگر وی از اسدی ر.ک: الاختصاص، ص ۲۲۳؛ اعلام الوری، ص ۳۹۷؛ اقبال، ص ۲۱۳ (در  
 نقل اخیر، اسدی از کتاب حسن بن عباس بن حریش در فضیلت شب قدر روایتی را نقل کرده است؛ همچنین  
 فضائل الأشهر، ص ۱۱۷)؛ الامالی، ص ۴۲، ۶۶، ۲۰۰، ۴۶۳، ۴۷۳، ۴۷۴، ۶۳۱، ۶۵۵؛ ثواب الاعمال، ص ۶،  
 ۱۵، ۴۹، ۵۰، ۱۳۰، ۱۵۰، ۱۵۸، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۸۰؛ الخصال، ج ۲، ص ۵۳۱؛ عیون اخبار الرضا<sup>علیه السلام</sup>، ج ۲،  
 ص ۱۳۵؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۱۳، ۲۵۷-۲۵۸، ۲۸۷، ۲۹۴؛ معانی الاخبار، ص ۳۷۰. برخی از این احادیث  
 مکرر است و این احتمال هم هست که اسدی تنها راوی اثری کهن تر باشد. همچنین روایات متعددی از اسدی  
 در رد واقفه و امامت امام رضا<sup>علیه السلام</sup> موجود است که این احتمال را تقویت می کند که وی کتابی نیز در این باره  
 نگاشته باشد. شیخ طوسی روایتی از اسدی به نقل از شیخ صدوق از طریق محمد بن موسی بن متوکل نقل  
 کرده است ر.ک: الامالی، ص ۱۵۸.

۴. برای روایات دیگر وی از اسدی ر.ک: الامالی، ص ۳۸، ۲۴۳، ۴۰۹، ۵۴۵، ۵۵۲، ۶۷۰؛ الخصال، ج ۲،  
 ص ۵۴۳؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۶۸، ۱۳۱ و ج ۲، ص ۴۰۵؛ عیون اخبار الرضا<sup>علیه السلام</sup>، ج ۱، ص ۱۲۰ و ج ۲،  
 ص ۲۴، ۹۸، ۲۵۵، ۲۷۲؛ معانی الاخبار، ص ۲۹۱، ۳۸۷.

ابن عون توسط شیخ صدوق است. موید دیگر بر تخریح احادیثی از ابن عون، این نوشته شیخ صدوق است: «و قد روی لی من طریق أبی الحسین الاسدی رضی الله عنه...» (التوحید، ص ۳۳۶). دلیل دیگر برای آن که این افراد مشایخ مجیز کتاب ابن عون اند، تصریح شیخ صدوق است. شیخ صدوق می نویسد:

حدثنا محمد بن احمد السنائی و الحسن بن ابراهیم بن احمد بن هشام  
المکتب و علی بن احمد بن محمد بن عمران رضی الله عنهم قالوا: حدثنا  
محمد بن ابی عبدالله الکوفی... (التوحید، ص ۱۷۲).

یکی دیگر از متونی که شیخ صدوق، برخی از احادیث آن را تخریح و نقل کرده است، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است (التوحید، ص ۴۷، ۲۳۰ - ۲۳۲، ۴۰۳). نکته دیگری که از کتاب التوحید شیخ صدوق می توان دریافت، داوری سید مرتضی (متوفی ۴۳۶ ق) درباره نظریات کلامی اهل قم است. سید مرتضی در این باره می نویسد:

و أن القمیین کلهم من غیر استثناء لاحد منهم الا ابا جعفر بن بابویه  
رحمة الله علیه بالامس كانوا مشبهة مجبرة و کتبهم و تصانیفهم  
تشهد بذلك و تنطق به (رسائل، ج ۳، ص ۳۱۰).

شیخ صدوق نیز، چنین موضعی را به نحو ضمنی تایید کرده و می نویسد:

والاخبار التي رويت في هذا المعنى (يعني رؤيت باري) وأخرجها  
مشايخنا رضی الله عنهم في مصنفاتهم عندي صحيحة وإنما تركت  
ايرادها في هذا الباب خشية أن يقرأها جاهل بمعانيها فيكذب بها فيكفر  
بأنه عزوجل و هو لا يعلم. والأخبار التي ذكرها احمد بن محمد بن  
عيسى في نوادره و التي أوردها محمد بن احمد بن يحيى في جامعه في  
معنى الرؤية صحيحة لايردها الا مكذب بالحق أو جاهل به و ألفاظها  
الفاظ القرآن (التوحید، ص ۱۱۹ - ۱۲۰).

نکنه شگفت آوری که در برخی روایات شیخ صدوق وجود دارد، روایاتی دال بر

تشبیه و جبر باروایانی غیرامامی است. نمونه‌ای از این دست، روایتی در صفحه ۲۳-۲۴ و با همان سلسله سند در صفحه ۳۷۶-۳۷۷ است. روات این احادیث، غیرامامی هستند و ظاهراً تنها دلیل روایت این احادیث آن است که متن حدیث منقول از ائمه شیعه است.

بخش پایانی التوحید شیخ صدوق به نقل روایاتی در ذم اهل کلام اختصاص یافته است. چنین روایاتی در محافل محدثان کوفه رواج داشته است. نمونه‌ای از این روایات را ابن طاووس (متوفی ۶۶۴ ق) از کتاب عبدالله بن حماد انصاری (زنده به سال ۲۲۹ ق) نقل کرده است (کشف المحجّة، ص ۶۲-۶۳).

ابن طاووس درباره کتاب عبدالله بن حماد می‌نویسد:

ما رویته من کتاب أبی محمد عبدالله بن حماد الانصاری من أصحاب مولانا کاظم علیه السلام (متوفی ۱۸۳ ق) و نقلته من أصل قری علی الشیخ الصدوق الذی ذکر جنک ابو جعفر الطوسی أنه لم یکن له نظیر فی زمانه و هو هارون بن موسی التلعکبری (متوفی ۳۸۵ ق) تفصّده الله جل جلاله برضوانه تأریخه سنة ۳۷۶... (کشف المحجّة، ص ۶۱).

نکته قابل ذکر دیگر درباره کتاب التوحید، نقل از تفسیر کهن امامی، یعنی تفسیر ابوالجارود زیاد بن منذر، است. نجاشی در ضمن آثار ابوالجارود به کتاب تفسیر القرآن وی اشاره کرده است (الرجال، ص ۱۷۰). در این تفسیر، ابوالجارود، روایات تفسیری از امام باقر علیه السلام را گردآوری کرده است. نجاشی سلسله سند روایت این کتاب را به روایت جمعی از اصحاب امامیه از احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده (متوفی ۳۳۳ ق)، از جعفر بن عبدالله محمدی (زنده به سال ۲۶۸)، از ابوسهل کثیر بن عیاش قطان، از ابوالجارود ذکر کرده است.

شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ق) نیز درباره تفسیر ابوالجارود نوشته است:

واخبرنا بالتفسیر احمد بن عبدون عن ابی بکر (احمد بن عبدالله) الدوری (درباره او ر.ک: الرجال، نجاشی، ص ۸۵) عن ابن عقده عن ابی عبدالله جعفر بن عبدالله بن جعفر بن عبدالله بن جعفر بن محمد بن



علی بن ابی طالب المحمدی عن كثير بن عياش القطان - وكان ضعيفاً  
و خرج ايام ابی السرايا معه، فاصابته جراحة - عن زياد بن المنذر  
ابی الجارود عن ابی جعفر الباقر عليه السلام (الفهرست، ص ۱۳۱ - ۱۳۲).

شیخ صدوق از این تفسیر با همین سلسله سند، گاه از طریق علی بن حاتم نوفلی  
(الامالی، ص ۱۲۴، ۳۱۶) و در دیگر موارد به واسطه محمد بن ابراهیم بن اسحاق  
طالقانی (زنده به سال ۳۳۹ق) حدیث نقل کرده است (التوحید، ص ۲۳۶؛ معانی الاخبار،  
ص ۴۵).

آخرین نکته درباره کتاب التوحید، نقل کردن مجموعه‌ای از احادیث، به گردآوری و  
تدوین محدث مشهور امامیه کوفه علی بن حسن بن فضال است. نجاشی به نقل از  
احمد بن حسین غضائری (متوفی ۴۱۱ق) نوشته است:

و ذکر احمد بن الحسين رحمه الله انه رأى نسخة أخرجها أبو جعفر بن  
بابويه وقال حدثنا محمد بن ابراهيم بن اسحاق الطالقاني قال حدثنا  
احمد بن محمد بن سعيد قال حدثنا علي بن الحسن بن فضال عن أبيه  
عن الرضا و لا يعرف الكوفيون هذه النسخة و لا رؤيت من غيرها  
الطريق (الرجال، ص ۲۵۸).

نجاشی خود نیز به این گفته ابن غضائری افزوده است که ابن فضال از پدرش روایت  
نکرده است: «ولم يرو عن أبيه شيئاً» (همان). این روایات صیغه تفسیری دارد و ظاهراً  
برگرفته از کتاب التتزیل من القرآن و التحریف ابن فضال باشد. شیخ صدوق با همین  
سلسله سند روایاتی در آثار متعدد خود نقل کرده است (برای مثال ر.ک: الامالی، ص  
۱۰، ۱۷، ۶۳-۶۴، ۷۳، ۱۲۹، ۲۲۲، ۵۵۸، ۶۱۱؛ معانی الاخبار، ص ۱۳، ۵۲، ۱۰۲، ۳۷۳-  
۳۷۴؛ التوحید ص ۲۲۹). تنها یک روایت با این سلسله سند آورده است، و به دو طریق  
دیگر روایاتی از این کتاب ابن فضال تخریج کرده است. چهار روایت از این کتاب را  
به روایت محمد بن ابراهیم بن احمد بن یونس معاذی (التوحید، ص ۱۶۲ - ۱۶۳) و  
روایتی طولانی از طریق محمد بن بکران نقاش (التوحید، ص ۲۳۲ - ۲۳۴) از ابن فضال

نقل کرده است.

مقایسه سلسله سندهای کتاب‌های الفهرست شیخ طوسی و کتاب الرجال نجاشی با سلسله اسناد کتاب‌های شیخ صدوق و تأمل در بخش المشیخه کتاب من لایحضره الفقیه، می‌تواند در شناسایی مشایخ مجیز و آثاری که شیخ صدوق از آنها تخریج کرده است، به محققان کمک فراوانی کند. چند مورد ذکر شده، تنها اندکی از این موارد است. نمونه‌ای واضح در این باره، کتاب العلل فضل بن شاذان نیشابوری (متوفی ۲۶۰ ق) است. شیخ صدوق در بیان طریق خود به کتاب العلل می‌نویسد:

و ما كان فيه عن الفضل بن شاذان من العلل التي ذكرها عن الرضا<sup>ع</sup>،  
فقد روته عن عبدالواحد بن عبدوس النيسابوري العطار رضي الله  
عنه عن علي بن محمد ابن قتيبه عن الفضل بن شاذان النيسابوري عن  
الرضا<sup>ع</sup> (من لایحضره الفقیه، ج ۴ س ۵۳-۵۴).

دو فصلنامه

الانوار  
شماره اول

بهار و تابستان ۸۵

این را می‌دانیم که شیخ صدوق در سال ۳۵۲ ق، در سفرش به خراسان، در نیشابور از ابن عبدوس سماع حدیث کرده (عیون اخبار الرضا<sup>ع</sup>، ج ۱، ص ۱۱۸)، و کتاب العلل را به روایت شاگرد فضل یعنی علی بن محمد بن قتیبه از ابن عبدوس روایت کرده است (علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۵۱-۲۷۵؛ عیون اخبار الرضا<sup>ع</sup>، ج ۲، ص ۹۹-۱۲۱). همچنین شیخ صدوق به همین طریق از آثار دیگر فضل روایت نقل کرده است (علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۸ و ج ۲، ص ۵۶۸؛ عیون اخبار الرضا<sup>ع</sup>، ج ۱، ص ۲۰۹ و ج ۲، ص ۲۳؛ التوحید، ص ۱۳۷، ۲۶۹). به این ترتیب مشخص می‌شود که شیخ صدوق کتاب التوحید را بعد از ۳۵۲ ق نگاشته است.

شیخ صدوق از استاد خود محمد بن حسن بن ولید قمی نیز روایات فراوانی را نقل کرده است ولی به نام اثر یا آثار وی کمتر تصریح کرده است؛ اما می‌دانیم کتاب مهم ابن ولید قمی، الجامع بوده که خبری طولانی از آن را شیخ صدوق در التوحید (ص ۲۲۶-۲۲۹) با تصریح به نام کتاب الجامع نقل کرده است. کتاب الجامع تا قرن هشتم

محمد کاظم  
رحمته

موجود بوده است و ابن طاووس به تکرار، و گاه با تصریح، و گاه تنها با استناد به محمد بن حسن بن ولید از آن نقل قول کرده است.<sup>۱</sup>

### کتاب کافی کلینی

یکی از منابعی که شیخ صدوق به طریق مشایخ خود، از آن نقل روایت کرده، کتاب کافی تألیف عالم جلیل القدر امامی محمد بن یعقوب کلینی (متوفی ۳۲۹ق) است. از اشاراتی که در شرح حال کلینی نوشته‌اند، می‌توان دریافت که کتاب وی به روایت شاگردان وی در میان امامیه رواج داشته است. به عنوان مثال شیخ طوسی در اشاره به کتاب کافی می‌نویسد:

أخبرنا بجميع كتبه و رواياته الشيخ المفيد أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان عن أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه عنه، و أخبرنا الحسين بن عبيد الله قراءة عليه أكثر كتبه من الكافي عن جماعة، منهم أبو غالب أحمد بن محمد الزراري و أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، و أبو عبد الله أحمد بن إبراهيم الصيمري المعروف بابن أبي رافع، و أبو محمد هارون بن موسى التلعكبري، و أبو المفضل محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني كلهم عن محمد بن يعقوب، و أخبرنا السيد الأجل المرتضى عن أبي الحسين أحمد بن علي بن سعيد الكوفي عن الكليني، و أخبرنا أبو عبد الله أحمد بن عبدون عن أحمد بن إبراهيم الصيمري و أبو الحسين عبد الكريم بن عبد الله بن نصر البزاز بتقليس و بغداد عن الكليني بجميع مصنفاته و رواياته<sup>۲</sup>

۱. درباره مواردی که به نام کتاب الجامع تصریح شده ر.ک: کتاب‌خانه ابن طاووس، ص ۳۲۴. برای موارد دیگر که تنها نام ابن ولید قمی آمده ر.ک: فلاح السائل ص ۲۷-۲۸، ۳۸، ۴۱-۴۳، ۵۲، ۲۱۵، ۲۳۰، ۲۴۴، ۲۷۴، ۲۷۹.  
 ۲. این نیز گفتنی است که نسخه‌های روایت شده یکسان نیست و در برخی از آنها مطالبی بوده است که احتمالاً در روایت‌های دیگر نبوده است. کما این که در متن چاپی کافی که تلفیقاتی از برخی نسخه‌های دیگر دارد، در مواردی به این مطلب اشاره شده است. بنگرید به مواردی که همگی در جلد نخست کتاب کافی است و در آنها احادیثی با ذکر این مطلب «و فی نسخة الصفوانی» اضافه شده است (الکافی، ج ۱، ص ۲۸۳، ۲۸۶، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۱۱، ۳۲۵). نکته جالب توجه، ذکر این موارد در جلد نخست کافی است.

شیخ صدوق نیز طبعاً، کتاب کافی را به اسانید خود به کلینی روایت کرده است. در بخش مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق در اشاره به این مطلب می‌نویسد:

وما كان فيه عن محمد بن يعقوب الكليني رحمة الله عليه فقد روئيه عن محمد بن محمد بن عصام الكليني و علي بن احمد بن موسى و محمد بن احمد السناني رضي الله عنهم عن محمد بن يعقوب الكليني و كذلك جميع الكافي فقد روئيه عنهم عنه عن رجاله.<sup>۱</sup>

در موارد اندکی نیز شیخ صدوق به لفظ از کتاب کلینی یاد کرده است.<sup>۲</sup> مشهورترین طرق روایت شیخ صدوق در نقل حدیث از کافی، طریق محمد بن محمد بن عصام کلینی<sup>۳</sup>، علی بن احمد بن محمد بن عمران الدقاق<sup>۴</sup>، محمد بن علی ماجیلویه<sup>۵</sup> و محمد بن موسی بن متوکل است.<sup>۶</sup>

۱. من لایحضره الفقیه (شرح مشیخه الفقیه)، ج ۴، ص ۱۱۶. شیخ صدوق در آثار دیگر خود، در اشاره به این مطلب و بیان طرق خود در نقل کتاب کافی، اشاراتی آورده است. به عنوان مثال وی در عیون اخبار الرضا<sup>ع</sup> (ج ۲ ص ۲۲۲) می‌گوید: «و حدثنی بهذا الحدیث محمد بن محمد بن عصام الكلینی و علی بن احمد بن محمد بن عمران الدقاق و علی بن عبدالله الوراق و الحسن بن احمد المؤدب و الحسين بن ابراهیم بن احمد بن هشام المؤدب رضی الله عنهم قالوا حدثنا محمد بن يعقوب الكلینی...» و در جایی دیگر از همان کتاب (ج ۲، ص ۱۷۴) در بیان طرق دیگر خود به کتاب کافی می‌نویسد: «حدثنا محمد بن موسى المتوكل رضي الله عنه و محمد بن محمد بن عصام الكليني و ابو محمد الحسن بن احمد مؤدب و علی بن عبدالوراق و علی بن احمد بن محمد بن عمران الدقاق رضي الله عنهم قالوا حدثنا محمد بن يعقوب». نیز بنگرید به کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۳۵.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۰۳ (وفی کتاب محمد بن یعقوب الكلینی). در جایی دیگر از کتاب من لایحضره الفقیه بعد از نقل خبری گفته است: «ما وجدت هذا الحدیث الا فی کتاب محمد بن يعقوب و ما روئيه الا من طریقہ حدثنی به غیر واحد منهم محمد بن محمد بن عصام الكلینی رضی الله عنه عن محمد بن يعقوب» (ج ۴، ص ۲۲۳).

۳. الامالی، ص ۲۷۷، ۳۲۰، ۳۵۶، ۴۵۸، التوحید، ص ۷۲، ۸۳، ۱۱۵، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۷۶، ۲۲۰؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۲۲، ۱۶۰، ۳۲۲، ۳۲۳؛ عیون اخبار الرضا<sup>ع</sup>، ج ۱، ص ۱۲۰، ۱۲۵؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۶، ۳۲۳، ۳۲۷، ۳۳۰ و ج ۲، ص ۴۰۸، ۴۲۰، ۴۸۳، ۵۲۲، ۵۳۷؛ معانی الاخبار، ص ۱۴، ۶۳.

۴. التوحید، ص ۸۳، ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۸۶، ۱۹۰، ۲۲۰، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۶، ۳۳۴، ۳۵۴؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱، ۱۶۰، ۲۴۹ و ج ۲، ص ۳۱۷، ۳۸۹؛ عیون اخبار الرضا<sup>ع</sup>، ج ۱، ص ۱۴۵؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۳۶؛ معانی الاخبار، ص ۶.

۵. الخصال، ج ۲، ص ۴۸۰؛ عیون اخبار الرضا<sup>ع</sup>، ج ۱، ص ۵۶.

۶. الامالی، ص ۶۷۴؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۵.

## شیخ صدوق و کتاب عیون اخبار الرضا

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی در آغاز کتاب عیون اخبار الرضا<sup>۱</sup> علت تألیف کتاب خود را، برخورد با دو قصیده از ابوالقاسم اسماعیل بن عباد (متوفی ۳۸۵ ق) در ستایش از امام رضا<sup>۲</sup> یاد کرده است.<sup>۱</sup> شیخ صدوق می‌نویسد:

وقع إلیّ قصیدتان من قصاید صاحب الجلیل کافی الکفاة أبی القاسم اسماعیل بن عباد أطال الله بقاءه و أدام دولته و نعمائه و سلطانه و أعلاه فی اهداء السلام الی الرضا علی بن موسی ابن جعفر...<sup>۳</sup>، فصنّف هذا الكتاب لخزانتة المعمورة ببقائه، اذ لم أجد شيئاً أثر عنده و أحسن موقعاً لديه من علوم أهل البيت<sup>۴</sup> لتعلقه بحبهم و استمساکه بولايتهم و اعتقاده بفرض طاعتهم و قوله بامامتهم و اكرامه لذریتهم، ادام الله عزه و احسانه الی شیعتههم قاضياً بذلك حق انعامه علی و متقرباً به الیه لایادیه الزهر عندی، و مننه الغر لدی و متلافياً بذلك تفريطی الواقع فی خدمة حضرته راجياً به قبوله لعذری و عفوه عن تقصیری و تحقیقه لرجائی فیهِ و أملی و الله تعالی ذکره یبسط بالعدل یده و یعلی بالحق کلمته و یدیم علی الخیر قدرته یسهل المحان بکرمه وجوده و ابتدأت بذكر القصیدتین لانهما سبب لتصنیفی هذا الكتاب، (عیون اخبار، ج ۱، ص ۳).

شیخ صدوق به دلیل فاصله زمانی با روزگار امام رضا<sup>۵</sup>، از برخی از آثار مکتوب و تواریخی که به ذکر حالات و احوال امام رضا<sup>۶</sup> پرداخته‌اند، بهره گرفته است. بررسی اسناد کتاب عیون اخبار الرضا<sup>۷</sup> نشان می‌دهد که یکی از این آثار، کتاب الاوراق ابوبکر صولی است.<sup>۲</sup> در موارد متعددی شیخ صدوق به سلسله سند زیر مطالبی درباره امام رضا<sup>۸</sup> به نقل از صولی نقل کرده است:

۱. درباره صاحب بن عباد ر.ک: مثالب الوزیرین؛ معجم الادباء، ج ۶، ص ۱۶۸-۳۱۷. منابع اصلی حموی در نقل احوال صاحب، المنتظم ابن جوزی مثالب الوزیرین توحیدی و مشارب التجارب ابوالحسن بیهقی است.  
۲. درباره صولی ر.ک: سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۳۰۳. یکی از مصادر ذهبی در نقل احوال صولی الفهرست ابن ندیم (ص ۱۶۷-۱۶۸) بوده است. ابن ندیم به وفات صولی در بصره در حدود سال ۳۳۰ اشاره کرده است.

«حدثنا الحاكم ابوعلی حسین بن أحمد البیهقی فی داره بنیساہور فی سنة اثنین و خمسين و ثلثمائة قال: أخبرنا محمد بن یحیی الصولی قراءة علیه...».

ابوعلی حسین بن احمد بیهقی، راوی واسط میان شیخ صدوق و صولی، از استادان حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵ق) است و حاکم شرح حال وی را در تاریخ نیشابور آورده و گزیده‌ای از این شرح حال را سمعانی در الانساب آورده است. آنچه که سمعانی درباره بیهقی به نقل از حاکم آورده، چنین است:

ابوعلی الحسین بن احمد بن الحسن بن موسی البیهقی القاضی الأدیب الفقیه، سمع بنیساہور أبابکر محمد بن اسحاق بن خزیمة و أبالعباس محمد بن اسحاق السراج و ببغداد أبامحمد یحیی بن محمد بن صاعد و أباحمد محمد بن هارون الحضرمی و طبقتهم، سمع منه الحاكم أبو عبدالله الحافظ و ذكره فی التاريخ، فقال: القاضی أبوعلی البیهقی الأدیب الفقیه، كان من أعیان فقہائنا، ولی قضاء نيسابور و غيرها من المدن بخراسان و كان اخبارياً و توفي ببیهق فی سنة ۳۵۹ ق (الانساب، ج ۱، ص ۴۳۹).

منابع رجالی دیگر، اطلاعات بیشتری درباره حال بیهقی به دست نمی‌دهند. برای مثال ذهبی در تاریخ الاسلام (ص ۱۹۱) به اختصار از بیهقی سخن گفته است، که همان را سبکی در طبقات الشافعیة الکبری (ج ۳، ص ۲۷۰-۲۷۱) نقل کرده است. طریق شیخ صدوق در نقل از صولی، به بیهقی منحصر نمی‌شود و چند خبر از طریق محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی و یک خبر از طریق احمد بن یحیی المکتب از صولی آورده است. فهرست این نقل قول‌ها چنین است:

اسم و القاب امام رضا علیه السلام (ج ۱، ص ۱۴)؛ مادر امام رضا علیه السلام (ج ۱، ص ۱۴-۱۶)؛ درگیری میان امام موسی بن جعفر علیه السلام با هارون، به نقل از طالقانی از صولی (ج ۱، ص ۶۹-۷۲)؛ علت دستگیری امام موسی بن جعفر علیه السلام توسط هارون، به توطئه یکی از رجال

زیدیه (ج ۱، ص ۷۳)؛ درباره امام موسی بن جعفر علیه السلام، به نقل از طالقانی از صولوی (ج ۱، ص ۸۵-۸۸)؛ تکلیف مالایطاق و نظر امام رضا علیه السلام درباره آن (ج ۱، ص ۱۴۱)؛ زید بن موسی بن جعفر و رفتن وی به نزد مأمون، به نقل از احمد بن یحیی المکتب از صولوی (ج ۱، ص ۲۴۸)؛ علت جاودانگی قرآن (ج ۲، ص ۸۷)؛ توضیح درباره حدیث «اصحابی کالنجوم» (ج ۲، ص ۸۷)؛ صحابی بودن معاویه و نظر امام رضا علیه السلام در رد این عقیده (ج ۲، ص ۸۷-۸۸)؛ حکم محارب با حضرت امیر علیه السلام (ج ۲، ص ۸۸)؛ ستایش امام موسی بن جعفر توسط امام صادق علیه السلام (ج ۲، ص ۱۲۷)؛ نظر امام رضا علیه السلام درباره سماع (ج ۲، ص ۱۲۸)؛ درباره نسب ائمه (ج ۲، ص ۱۲۸)؛ رفتار اخلاقی امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۲۸)؛ نعیم حقیقی در دنیا و نظر امام رضا علیه السلام درباره آن (ج ۲، ص ۱۲۹-۱۳۰)؛ ویژگی های قرآن (ج ۲، ص ۱۳۰)؛ درباره شأن نزول آیه «یا ایها الرسول بلغ» (ج ۲، ص ۱۳۰)؛ حدیثی از امام رضا علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام (ج ۲، ص ۱۳۰)؛ حدیثی از امام رضا (ج ۲، ص ۱۳۱)؛ اشعاری از دعبل (ج ۲، ص ۱۴۱-۱۴۲)؛ دو خبر)؛ شعری از ابونواس درباره امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۴۴)؛ این روایت با این سلسله سند است: «حدثنا ابونصر محمد بن الحسن بن ابراهیم الکوفی الکاتب بایلاق قال حدثنا ابوالحسن محمد بن صقر الغسانی قال حدثنا ابوبکر الصولوی»؛ پیشنهاد ولایت عهدی مأمون به امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۴۴)؛ درباره خصائص امام سجاد علیه السلام (ج ۲، ص ۱۴۵)؛ خطبه عبدالجبار بن سعید به هنگام ولایت عهدی امام رضا علیه السلام در مدینه (ج ۲، ص ۱۴۵)؛ نصیحتی از امام رضا علیه السلام به مأمون بعد از ولایت عهدی (ج ۲، ص ۱۴۵)؛ خطبه فردی به هنگام ولایت عهدی امام رضا علیه السلام نزد مأمون (ج ۲، ص ۱۴۶)؛ سخنانی از امام رضا علیه السلام بعد از مراسم ولایت عهدی (ج ۲، ص ۱۴۶-۱۴۷)؛ سخنان مأمون بعد از ولایت عهدی امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۴۷)؛ اشاره فضل بن سهل در ولی عهد کردن امام رضا به مأمون (ج ۲، ص ۱۴۷-۱۴۸)؛ احوال یکی از شاعران معاصر با امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۴۸-۱۴۹)؛ دیدار مأمون با امام رضا علیه السلام بعد از قتل فضل بن سهل (ج ۲، ص ۱۶۴)؛ سخنانی از امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۶۴)؛ عفو فردی، به پادر میانی امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۶۵)؛ اشعاری از امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۷۷-۱۷۸)؛ شعری که امام رضا علیه السلام فراوان می خواندند (ج ۲، ص ۱۷۸)؛ خصائص اخلاقی امام رضا علیه السلام

(ج ۲، ص ۱۷۸)؛ حدیثی از امام رضا علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام (ج ۲، ص ۱۷۹)؛ خبری از جدّ صولی درباره امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۱۷۹)؛ وصف امام رضا علیه السلام به گفته ابراهیم بن عباس (ج ۲، ص ۱۸۰)؛ رفتاری نادرست از زبیر بن بکار نسبت به حضرت و فرجام آن (ج ۲، ص ۲۲۴)؛ سخنی از امام رضا علیه السلام در پاسخ به وعده مأمون برای بازگشت به بغداد (ج ۲، ص ۲۲۴)؛ تمایل باطنی مأمون نسبت به امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۲۳۱-۲۳۲)؛ جریان ورود برادر امام رضا علیه السلام زیدالنار، در سال ۱۹۹ ق به نزد مأمون (ج ۲، ص ۲۳۲)؛ ستایش فردی از امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۲۳۶)؛ آزاد کردن بردگان به دست امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۲۳۷)؛ شیوه نامه‌نگاری حضرت با امام جواد علیه السلام (ج ۲، ص ۲۴۰)؛ خبری درباره شهادت امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۲۴۰-۲۴۱)؛ تاریخ بیعت امام رضا علیه السلام با مأمون و شهادت امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۲۴۵)؛ مرثی در شهادت امام رضا علیه السلام (ج ۲، ص ۲۵۱-۲۵۴).<sup>۱</sup>

۱. اگر چه اطلاعات موجود درباره شیخ صدوق اندک است، اما خوشبختانه، در آثار وی، مطالب فراوانی درباره شرح حال ایشان آمده است. مواردی از این دست در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام آمده که چنین است:  
الف. شیخ صدوق، و اواخر عیون اخبار الرضا علیه السلام را به ذکر کرامات آن حضرت اختصاص داده است. در بخشی از این گفتار درباره روابط خود با حاکم بویه ری، رکن الدوله ابوعلی حسن (حکومت: ۳۲۰-۳۶۶ ق)، می‌نویسد: «قال مصنف هذا الكتاب علیه السلام: لما استأذنت الامير السعيد ركن الدولة في زيارة مشهد الرضا علیه السلام فأذن لي في ذلك في رجب من سنة اثنين و خمسين و ثلاثمائة (۳۵۲ ق)، فلما انقلبت عنه ردي، فقال لي: هذا مشهد مبارك قد زرت و سألت الله تعالى حوائج كانت في نفسي، فقضاها لي، فلاتقصر في الدعاء لي هناك و الزيارة عني، فان الدعاء فيه مستجاب، فضمنت ذلك له و وفيت به، فلما عدت من المشهد على ساكنه التحية و السلام و دخلت اليه، فقال لي: هل دعوت لنا و زرت عنا؟ فقلت: نعم. فقال لي: قد احسنت قدصح لي ان الدعاء في ذلك المشهد مستجاب» (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۹). براساس فید «السعيد» می‌توان تاریخ تألیف کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام را پس از وفات این امیر بویه (۳۶۶ ق) دانست.  
ارجاع به تألیفات دیگر، در متن کتاب نیز مؤید این گمان است. از آثاری که شیخ صدوق از آنها یاد کرده، می‌توانیم به کمال‌الدین و تمام النعمة فی اثبات النبیة و کشف الحیرة، الخصال و معانی الاخبار اشاره کنیم. می‌دانیم که شیخ صدوق، دومین سفر خود به مشهد را در ۳۶۷ ق آغاز کرده است و بعد از زیارت، به نیشابور برگشته و مدتی نیز در آن جا سکونت داشته است. در ۱۷ یا ۱۹ شعبان ۳۶۸ ق در مشهد بوده و سفر خود را به ماوراءالنهر آغاز کرده است. وی در راه بازگشت از سفر ماوراءالنهر به تألیف کتاب کمال‌الدین پرداخت. بنا بر این، تألیف کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام پس از ۳۶۸ ق خواهد بود.

ب. یعقوبی در تاریخ خود از نامه مأمون به فضل بن سهل سخن گفته و از آن با عنوان کتاب الشرط و الحیاء یاد کرده است. شیخ صدوق متن این نامه را به نقل از کتابی آورده است: «و وجدت في بعض الكتب نسخة كتاب الحیاء و الشرط من الرضا علی بن موسی علیه السلام الى العمال في شأن الفضل بن سهل و أخیه ولم أرو ذلك عن احد» (همان، ج ۲، ص ۱۵۴-۱۵۹).



## مجالس الرضا علیه السلام مع أهل الادیان

اگر چه غالباً گمان بر این است که محدثان، تنها مجموعه‌ای از احادیث را گردآوری می‌کرده‌اند، اما تأمل در آثار آنها نشانگر آن است که چینش مطالب و نوع گزینش آنها، با رویکردهای کلامی - اعتقادی آنها همراه بوده است. شناخت پیش زمینه‌های معرفتی و کلامی این محدثان به خوبی می‌تواند ما را با علت طرح مباحث مختلف آنها در آثارشان آشنا کند.

یکی از دغدغه‌های شیخ صدوق در تألیف کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام، اثبات برتری آن امام در شئون مختلف است. بر همین اساس، او از متونی که به گزارش مباحثات و مناظرات آن امام با معاصرانشان پرداخته بودند، توجه داشته و در تألیف کتاب خود از آنها بهره گرفته است. یکی از این گونه آثار، کتابی مختصر درباره مجالس مناظرات امام رضا علیه السلام است. نجاشی در ضمن شرح حال حسن بن محمد بن سهل نوفلی اشاره کرده که وی کتاب مفیدی درباره مجالس مناظره بین امام رضا علیه السلام با اهل ادیان نگاشته است (الرجال، نجاشی، ص ۳۷ و ۳۸). اما شیخ صدوق از این تحریر استفاده نکرده و این مجالس را به روایت ابو محمد الحسین بن محمد بن فضل بن یعقوب بن سعد بن نوفل بن حارث بن عبدالمطلب که نجاشی (ص ۵۶ - ۵۷) از او به بزرگ هاشمیان (شیخ الهاشمیین) یاد کرده، بهره جسته است. هاشمی نیز کتابی با عنوان مجالس الرضا علیه السلام مع اهل الادیان تألیف کرده است. شیخ صدوق این کتاب را به تمامی در آثار خود نقل کرده است.<sup>۱</sup> شیخ صدوق این کتاب را به روایت ابو محمد جعفر بن علی بن احمد القمی الایلاقی از ابو محمد حسن بن محمد بن علی بن صدقة قمی از ابو عمرو محمد بن

ج. یکی از آثار مهم در تاریخ خراسان کتاب اخبار خراسان یا ولاية الخراسان ابوعلی حسین بن احمد سلامی است که در اختیار مورخان چون ابن کثیر بوده و مطالبی از آن نقل کرده‌اند. شیخ صدوق خبری را با تصریح به نام این کتاب نقل کرده است: «و قد ذکر قوم... منهم ابوعلی الحسین بن احمد السلامی، فانه ذکر ذلك فی کتابه الذی صنفه فی اخبار خراسان» (همان، ج ۲، ص ۱۶۵ - ۱۶۶).

د. نجاشی در ذیل شرح حال محمد بن سنان (متوفی ۲۱۰ق) به نقل از ابن عقده می‌نویسد: «أنه روی عن الرضا علیه السلام... وله مسائل عنه معروفة» (الرجال، نجاشی، ۳۲۸). شیخ صدوق متن کامل این کتاب را به اسناد خود نقل کرده است (همان، ج ۲، ص ۸۸ - ۹۹).

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱ ص ۱۵۴ - ۱۹۱؛ التوحید، ص ۴۱۷ - ۴۵۴.

عبدالعزیز کجی از نوفلی روایت کرده است. نام نوفلی در تمام نقل قول‌هایی آمده، از وی به حسن بن محمد تصحیف شده است.<sup>۱</sup>

## کتاب تفسیر القرآن شیخ صدوق<sup>۲</sup>

نجاشی از بین آثار شیخ صدوق به دو کتاب مختصر تفسیر القرآن و کتاب تفسیر القرآن اشاره کرده است (الرجال، ص ۳۹۱ و ۳۹۲). شیخ طوسی نیز در کتاب الفهرست (ص ۴۴۴)، از کتاب تفسیر شیخ صدوق سخن گفته و اشاره کرده که شیخ صدوق این اثر را به اتمام نرسانده است «الم یتمه».

در باره تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، بحث و سخن فراوان است، اما نکته‌ای وجود دارد که تا به حال مورد توجه قرار نگرفته و آن این که تفسیر مورد نظر در اصل تألیف شیخ صدوق است. دلایل این انتساب چنین است:

۱. بخش اعظمی از این تفسیر در آثار مختلف شیخ صدوق و به همان سلسله سند موجود در آغاز متن تفسیر نقل شده است، که صفحات آن به صورت زیر مطابقت داده شده است: صفات الشیعة، ص ۴۵ و علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۴۰، در تفسیر ص ۴۷؛ الخصال، ج ۲، ص ۴۱۶، در تفسیر ص ۳۰؛ عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۳۷، در تفسیر ص ۱۴۲؛ عیون الاخبار، ج ۲، ص ۲۶۶، در تفسیر ص ۴۷؛ عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۹۱، در تفسیر ص ۴۷؛ عیون الاخبار، ج ۱، ص ۳۰۰، در تفسیر ص ۵۸؛ عیون الاخبار، ج ۱، ص ۳۰۱، در تفسیر ص ۲۹؛ عیون الاخبار، ج ۱، ص ۳۰۵، در تفسیر ص ۴۴؛ عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۲، در تفسیر ص ۲۱۵؛ معانی الاخبار، ص ۴ در تفسیر ص ۲۱ و ص ۲۴، در تفسیر ص ۶۲ و ص ۳۳، در تفسیر ص ۴۴ و ص ۳۶ در تفسیر ص ۴۷

۱. نیز بنگرید به: معجم رجال الحديث، ج ۶ ص ۱۳۴-۱۳۷؛ الذریعة، ج ۱۹ ص ۳۶۰.

۲. مفصل‌ترین بحث درباره تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، بحث مرحوم محمد تقی تستری در الاخبار الدخلیة، ج ۱ ص ۱۵۲-۲۲۸ است. از نوشته‌های دیگری که درباره تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام تألیف شده، می‌توان به بحث آقای مسلم داوری در اصول علم الرجال بین النظرية والتطبيق، ص ۲۸۳-۲۸۶؛ رسالة فی التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام؛ الرسائل الرجالیة، ج ۲ ص ۶۲۵-۶۳۹؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴ ص ۲۸۳-۲۹۳؛ خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۵ ص ۱۸۶-۲۰۰، اشاره کرد.

و ص ۳۹۹، در تفسیر ص ۴۷ (نام علی بن محمد بن یسار یا سیار در نقل اخیر معانی الاخبار به علی بن محمد بن سنان تصحیف شده است).

۲. شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه (ج ۲، ص ۳۲۷-۳۲۸)، در باب تلبیه خبری به نقل از محمد بن قاسم استرآبادی (و روی لی محمد بن القاسم الاسترآبادی) از دو روای تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام آورده و در آخر آن گفته است: «و الحدیث طویل أخذنا منه موضع الحاجة و قد أخرجته فی تفسیر القرآن» (ص ۳۲۸)، و این خبر به صورت کامل در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ص ۳۱-۳۴) آمده است.

شیخ صدوق در آثار دیگر خود نیز از کتاب تفسیر یاد کرده است. به عنوان مثال وی در الخصال (ج ۱ ص ۲۷۰) می نویسد: «و قد أخرجت ما رویته فی هذا المعنی فی تفسیر القرآن» که موضوع روایت اشاره به آیه «فتلقى آدم من ربه» دارد و بحث کاملی از این موضوع در تفسیر ص ۲۲۴-۲۲۷ آمده است. مورد دیگر در کتاب التوحید (ص ۴۸) است که حدیثی درباره انتساب گناهان به خداوند و رد این عقیده نقل کرده و در آخر آن گفته است: «و الحدیث طویل، أخذنا منه موضع الحاجة، و قد أخرجته بتمامه فی تفسیر القرآن». متن کامل این حدیث در تفسیر ص ۵۰-۵۲ آمده است.

۳. در آغاز متن چاپ شده تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نیز سلسله سندی آمده که جالب توجه است. این سلسله سند چنین است:

قال محمد بن علی بن محمد بن جعفر بن الدقاق حدثني الشيخان  
 الفقيهان أبو الحسن محمد بن أحمد بن علي بن الحسن بن شاذان و أبو  
 محمد جعفر بن أحمد بن علي القمي علیه السلام قال حدثنا الشيخ الفقيه أبو جعفر  
 محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي علیه السلام قال أخبرنا أبو  
 الحسن محمد بن القاسم المفسر الأسترآبادي الخطيب علیه السلام قال حدثني  
 أبو يعقوب يوسف بن محمد بن زياد و أبو الحسن علي بن محمد بن  
 سیار (یا یسار) و كانا من الشيعة الامامی.

تأمل در متون کهن، این مطلب را نشان می دهد که شیوه متداول در این آثار آن است

که نام راویان کتاب، متصل به نام مؤلف و به اسناد خود مؤلف به روایت، ذکر می شده است. از بررسی اسناد آثار شیخ صدوق که نام محمد بن قاسم استرآبادی در آنها آمده است این نکات را می توان نتیجه گرفت:

۱. نام کامل وی محمد بن قاسم استرآبادی مشهور به المفسر الجرجانی بوده است.
۲. یکی از شیوخ وی فردی به نام عبدالملک بن احمد بن هارون بوده است (الامالی، ص ۳۶۱)
۳. وی از طریق علی بن محمد بن یسار (سیار) از ابویحیی محمد بن یزید منقری از سفیان بن عیینه نیز روایتی نقل کرده است (علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳۰-۲۳۱)
۴. شیخ صدوق روایاتی اخلاقی در باب زهد و ورزی با سلسله سند: «حدثنا محمد بن القاسم المفسر الجرجانی رضی الله عنه قال حدثنا احمد بن الحسن الحسینی عن الحسن بن علی الناصر عن ابیه» نقل کرده است (معانی الاخبار، ص ۲۸۷-۲۹۱؛ الامالی، ص ۳۵۸؛ عیون الاخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۴، ۲۹۷، ۳۱۲ و ج ۲، ص ۵۲، ۲؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۹۸). اما ظاهراً این سلسله سند به صورت نقل شده، نادرست است<sup>۱</sup>.
۵. نام استرآبادی در سلسله سند روایت ندبه مشهور امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> نیز آمده است:

و من ذلك الندبة لمولانا زين العابدين علي بن الحسين <sup>عليه السلام</sup> رواها الحسن بن الدربي عن نجم الدين عبد الله بن جعفر الدورى عن ضياء الدين أبى الرضا فضل بن علي الحسنى بقاشان عن أبى جعفر محمد بن علي بن الحسن المقرئ النيسابورى عن الحسن بن يعقوب بن أحمد النيسابورى عن الحاكم أبى القاسم عبد الله بن عبيد الله الحسكاني عن أبى القاسم علي بن محمد العمرى عن أبى جعفر محمد بن بابويه عن أبى محمد بن القاسم بن محمد الأسترآبادى عن عبد الملك بن إبراهيم و علي بن محمد بن سيار عن أبى يحيى بن عبد

۱. ر.ک: حسن انصاری قمی، «نصحیح یک سند در آثار شیخ صدوق<sup>علیه السلام</sup>»، کتاب ماه دین، شماره ۴۹-۵۰ (آبان و آذر ۱۳۸۰) ص ۴۵.

الله بن یزید المقرئ عن سفیان بن عیینة عن الزهري قال سمعت مولانا  
 زين العابدين علي بن الحسين عليه السلام ... (بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۲  
 و ۱۲۳).

## پیوست

در این پیوست، فهرستی از برخی آثار کهن که مورد استفاده شیخ صدوق بوده،  
 گردآوری شده است. طبعاً موارد متعددی را بر این فهرست می توان افزود، اما نگارنده از  
 دو جهت، نخست به جهت جلوگیری از طولانی شدن مقاله، و دیگر عدم فراغ بال برای  
 انجام چنین کاری، از این امر چشم پوشی کرد؛ از این رو موارد ذکر شده، تنها نمونه هایی  
 از این آثار می باشد:

۱. کتاب ثواب القرآن محمد بن حسان رازی. شیخ طوسی در کتاب الفهرست خود  
 در شرح حال محمد بن حسان رازی عالم امامی قرن سوم می نویسد:

محمد بن حسان الرازی. له کتب، منها: کتاب ثواب القرآن. أخبرنا ابن  
 ابی جید عن محمد بن الحسن عن سعد بن عبدالله و محمد بن یحیی و  
 أحمد بن ادریس عن محمد بن حسان عن محمد بن علی الصیرفی عن  
 اسماعیل بن مهران عن الحسن بن علی (بن ابی حمزة) البطائنی  
 (الفهرست، ص ۴۱۴).

با مراجعه به کتاب ثواب الاعمال، می بینیم که شیخ صدوق روایاتی با این سلسله سند  
 (ابی ره قال حدثنی محمد بن یحیی العطار عن محمد بن أحمد عن محمد بن حسان عن  
 إسماعیل بن مهران قال حدثنی الحسن بن علی بن ابی حمزة البطائنی) نقل نموده است  
 که دلالت بر نقل آنها از کتاب ثواب القرآن محمد بن حسان دارد. راوی کتاب ثواب  
 القرآن محمد بن حسان، عالم امامی محمد بن احمد بن یحیی بن عمران الاشعری  
 (درباره وی ر.ک: الوجال، نجاشی، ص ۳۴۸-۳۴۹؛ الفهرست، طوسی، ص ۴۰۸-۴۱۱)  
 است. از مواردی که با این سلسله سند نقل شده است می توان به ثواب الاعمال، ص ۱۰۴،  
 ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۲ (ظاهراً سلسله سند افتادگی دارد)، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۹ اشاره کرد.

اسماعیل بن مهران (درباره وی ر.ک: الرجال، نجاشی، ص ۲۶-۲۷؛ الفهرست، طوسی، ص ۳۴-۳۵) و بطائنی (درباره وی ر.ک: الرجال، نجاشی، ص ۳۶-۳۷؛ الفهرست، طوسی، ص ۱۲۹، ۱۳۰) که در سلسله سند محمد بن حسان قرار دارند، خود به ترتیب، مؤلف آثاری با عنوان ثواب القرآن و فضائل القرآن هستند. کتاب فضائل القرآن بطائنی مورد استفاده ابن طاووس بوده و نقلی هایی از آن با عنوان تفسیر القرآن عن الأئمة علیهم السلام آورده است؛ (الدروع الواقیة، ص ۴۷ و ۴۸).

۲. مسائل علی بن جعفر. یکی از متون متداول فقهی تدوین شده در قرن دوم، کتاب مسائل تألیف علی بن جعفر است. نجاشی در شرح حال علی بن جعفر با اشاره به کتاب مورد بحث چنین نوشته است:

علی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین أبو الحسن، سكن العریض من نواحي المدينة فنسب ولده اليها. له كتاب في الحلال والحرام يروي تارة غير ميوّب و تارة ميوّباً. أخبرنا القاضي أبو عبدالله قال: حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد قال حدثنا جعفر بن عبدالله المحمدي قال حدثنا علي بن أسباط بن سالم قال حدثنا علي بن جعفر بن محمد قال: سألت أبا الحسن موسى عليه السلام و ذكر الميوّب و أخبرنا أبو عبدالله بن شاذان قال: حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى قال حدثنا عبدالله بن جعفر [الحميري] قال حدثنا عبدالله بن الحسن بن علي بن جعفر بن محمد قال حدثنا علي بن جعفر و ذكر غير الميوّب (الرجال، نجاشی، ص ۲۵۱-۲۵۲؛ الفهرست، طوسی، ص ۲۶۴-۲۶۵).

شیخ صدوق نیز طریق روایت این کتاب را آورده و به همین طریق در کتاب التهذیب از این کتاب روایت نقل کرده است. شیخ صدوق در بخش مشیخه من لایحضره الفقیه در ذکر طریق خود به این کتاب نوشته است:

و كل ما كان في هذا الكتاب عن علي بن جعفر فقد روّيته عن أبي رضى الله عنه عن محمد بن يحيى العطار عن العمركي بن علي البوفكي عن

علی بن جعفر عن أخیه موسی ابن جعفر علیهما السلام و رویته عن محمد بن الحسن الصفار و سعد بن عبدالله جمیعاً عن أحمد بن محمد بن عیسی و الفضل ابن عامر عن موسی بن القاسم البجلي عن علی بن جعفر عن أخیه موسی بن جعفر رضی الله عنه و كذلك جمیع کتاب علی بن جعفر قد رویته بهذا الاسناد (المشیخه، ص ۴-۵؛ چاپ شده در جلد آخر من لا یحضره الفقیه).

از آثار دیگری که شیخ صدوق از آنها نقل قول کرده، کتاب الکافی محمد بن یعقوب کلینی است. شیخ صدوق در بخش مشیخه کتاب من لا یحضره الفقیه به این مطلب اشاره دارد، و در مواردی نیز به این نکته اشاره کرده است:

«قال مصنف هذا الكتاب رحمه الله ما وجدت هذا الحديث الا في كتاب محمد بن يعقوب و ما رویته الا من طریقہ حدثنی به غیر واحد منهم محمد بن محمد بن عصام الكلینی رضی الله عنه عن محمد بن یعقوب (ج ۴ ص ۲۲۳).

برای موارد دیگر نقل از کتاب کافی بنگرید به: الامالی، ص ۴۵۶؛ التوحید، ص ۷۲، ۸۳، ۱۱۵، ۱۵۲، ۱۵۹، ۱۶۰، ۲۲۰؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۰، ۲۳۲، ۲۳۳؛ عیون اخبار الرضا رضی الله عنه، ج ۱، ص ۲۲۲ و ج ۲، ص ۱۷۴ و معانی الاخبار، ص ۱۴ و ۶۳. تأمل در اسناد روایت شیخ صدوق نیز مؤید این ادعا است:

حدثنا و حدثنی بهذا الحديث محمد بن محمد بن عصام الكلینی و علی بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق و علی بن عبد الله الوراق و الحسن بن أحمد المؤدب و الحسين بن إبراهيم بن أحمد بن هشام المؤدب رضی الله عنهم قالوا حدثنا محمد بن یعقوب الكلینی (عیون اخبار الرضا رضی الله عنه، ج ۱ ص ۱۷۴).

متن دیگری که شیخ صدوق آن را روایت کرده، کتاب صحیفه الرضا است. متن این کتاب توسط محمد مهدی نجفی (مشهد، ۱۴۰۶ق) به چاپ رسیده است. شیخ صدوق

این کتاب را از دو طریق روایت کرده است. طریق اول به نقل از عبدالله بن احمد بن عامر است و طریق دوم به روایت از داود بن سلیمان غازی است. از مواردی که به طریق اول مطلبی از صحیفه الرضا آمده می‌توان به: الخصال، ج ۱، ص ۲۰۸، ۲۲۱، ۲۶۲، ۳۲۲، ۳۲۴ و ج ۲، ص ۳۴۴، ۳۸۴، ۳۸۸؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۹۳، ۴۹۴، ۵۲۰، ۵۵۴، ۵۷۱، ۵۹۳؛ عیون اخبار الرضا<sup>علیه السلام</sup>، ج ۱، ص ۲۴۰ و ج ۲، ص ۲۴. درباره موارد طریق دوم بنگرید به: الامالی، ص ۲۶۸؛ التوحید، ص ۶۸، ۱۸۲، ۳۶۹، ۳۷۷ (سند افتادگی دارد)؛ الخصال، ج ۱، ص ۱۶۸، ۱۷۹، ۱۹۶؛ عیون اخبار الرضا<sup>علیه السلام</sup>، ج ۱، ص ۱۲۷، ۱۴۱، ۱۴۲، ۲۲۷، ۲۵۹، ۲۸۱ و ج ۲، ص ۲۴، ۵۷، ۷۸؛ معانی الاخبار، ص ۳۷۴؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۷۲. یکی از شیوخ روایت کتاب صحیفه الرضا، عالمی به نام محمد بن علی بن الشاه مروزی است. برای شرح حال وی بنگرید به: تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۴، ص ۳۱۸؛ الانساب، ج ۵، ص ۲۶۲.

پیگیری این سلسله سند در آثار مختلف شیخ صدوق نشانگر این مطلب است که وی تنها در کتاب من لا یحضره الفقیه از این کتاب نقل نکرده، بلکه در باقی آثار خود نیز از این کتاب نقل روایت کرده است از جمله: ثواب الأعمال، ص ۲۶ (با تصحیف العمرکی بن البوفکی به العمرکی عن البوفکی). ۴۵، ۲۲۳؛ الخصال، ج ۲، ص ۳۸۵؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۸۱ (با تصحیف نام العمرکی البوفکی به المقری الخراسانی)، ج ۲، ص ۴۳۷، ۴۴۵، ۵۱۹، ۵۲۱. درباره العمرکی بنگرید به: الرجال، نجاشی، ص ۳۰۳-۳۰۴. اتان کلبرگ در اشاره به این کتاب در کتاب خانه ابن طاووس (ص ۴۰۹) علاوه بر این که از نسخه‌های کهن این کتاب اطلاعی ندارد، حتی متوجه استفاده کتاب مسائل به عنوان یکی از مصادر کتب اربعه نیز نشده است، در حالی که شیخ صدوق و شیخ طوسی در بخش مشیخته کتاب‌های خود، به استفاده از این کتاب اشاره کرده‌اند. کلینی نیز در الکافی از کتاب مسائل علی بن جعفر بهره برده است. طریق کلینی در نقل از این کتاب چنین است:

۱. علی بن محمد [و محمد بن الحسن] عن سهل بن زیاد عن موسی بن القاسم بن معاویه البجلی.



۲. محمد بن یحیی العطار القمی عن العمرکی بن علی البوفکی جمیعاً عن علی بن جعفر (الکافی، ج ۱، ص ۱۹۳ و ۱۹۵). گرچه کلینی در اکثر موارد تنها از طریق دوم از کتاب علی بن جعفر روایت نقل کرده است: (الکافی، ج ۱، ص ۴۲۷، ۴۵۸ و ج ۲، ص ۱۸۵، ۴۲۱ و ج ۳، ص ۶، ۲۹، ۳۶، ۴۴، ۶۰، ۶۱، ۷۴، ۱۴۲، ۱۹۰، ۲۱۲، ۳۳۲، ۳۹۱، ۴۰۴، ۴۵۹، ۵۵۹ و ج ۴ ص ۱۱۰، ۱۳۲، ۲۶۵، ۳۶۷ (سند ظاهراً اشکال داشته باشد)، ۴۲۰ و ج ۵، ص ۱۲۳، ۲۴۱، ۲۹۱ و ج ۶، ص ۳۸، ۴۴، ۱۶۵، ۱۸۸، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۴۵، ۲۴۷، ۴۷۷، ۴۸۷، ۵۱۵، ۵۲۷، ۵۴۱ و ج ۷، ص ۲۵۷، ۳۹۷.

بررسی دقیق بخش مشیخه کتاب من لا یحضره الفقیه، این امکان را به ما می‌دهد تا مشایخ مجیز شیخ صدوق را نیز بشناسیم. به عنوان مثال، شیخ صدوق در بیان طریق خود به کتاب العلل فضل بن شاذان نیشابوری (متوفی ۲۶۰ق) می‌نویسد:

وما کان فیه عن الفضل بن شاذان من العلل التي نکرها عن الرضا علیه السلام.  
فقد رویته عن عبدالواحد بن عبدوس النیسابوری العطار رضی الله  
عنه عن علی بن محمد ابن قتیبه عن الفضل بن شاذان النیسابوری عن  
الرضا علیه السلام (من لا یحضره الفقیه، ج ۴ ص ۵۳ - ۵۴).

این را می‌دانیم که شیخ صدوق در سال ۳۵۲ق در نیشابور از ابن عبدوس سماع حدیث کرده است (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۱۸) و احتمالاً کتاب العلل فضل را نیز در همین سال به روایت شاگرد و راوی آثار فضل، علی بن محمد بن قتیبه از ابن عبدوس سماع کرده است. شیخ صدوق متن کامل کتاب العلل را در علل الشرایع (ج ۱، ص ۲۵۱ - ۲۷۵) نقل کرده است. در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام نیز به نقل از کتاب العلل فضل بن شاذان تصریح کرده و با همان سلسله سند مطالبی از آن نقل کرده است. شیخ صدوق، طریق دیگری در نقل رساله العلل را نیز ذکر کرده است (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹۹ - ۱۲۱). برای روایت دیگر آثار فضل از طریق ابن عبدوس ر.ک: علل الشرایع، ج ۱ ص ۱۵۸ و ج ۲، ص ۵۶۸؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۰۹ و ج ۲، ص ۲۳؛ التوحید، ص ۱۳۷، ۲۶۹. برای روایت ابن قتیبه از فضل همچنین ر.ک: الرجال، نجاشی، ص ۳۰۷ - ۳۰۸.

یکی دیگر از آثاری که شیخ صدوق از آنها روایت نقل کرده است، کتابی است به نام *التزئیل من القرآن و التحریف ابن فضال*. از دیگر مشایخ مجیز شیخ صدوق به ابوالعباس محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی (زنده به سال ۳۴۹ق) می توان اشاره کرد که شیخ صدوق از طریق وی، از متون کهن امامیه فراوان نقل قول کرده است. طالقانی در سال ۳۱۷ق در بصره از ابواحمد عبدالعزیز بن یحیی جلودی، آثار را سماع کرده است. نکته خاصی که درباره طالقانی و برخی مطالبی که وی برای شیخ صدوق روایت کرده، مجموعه‌ای از روایات تفسیری از ابن فضال است. نجاشی به نقل از احمد بن حسین غضائری نوشته است:

و ذکر أحمد بن الحسين رحمة الله انه رأى نسخة أخرجها أبو جعفر بن بابوية و قال حدثنا محمد بن ابراهيم بن اسحق الطالقاني قال حدثنا احمد بن محمد بن سعيد (ابن عقده، متوفى ۳۲۳ق) قال حدثنا علي بن الحسن بن فضال عن أبيه عن الرضا و لا يعرف الكوفيون هذا النسخة و لا رویت من غير هذا الطريق (الرجال، نجاشی، ص ۲۵۸).

این در حالی است که نجاشی تصریح کرده است که ابن فضال از پدرش روایتی نقل نکرده است (و لم یرو عن أبيه شيئاً). این روایات صبغة تفسیری دارند و ظاهراً برگرفته از کتاب *التزئیل من القرآن و التحریف ابن فضال* است (برای این روایات ر. ک: الامالی، ص ۱۰، ۱۷، ۶۳، ۶۴، ۷۳، ۱۲۹، ۲۲۲، ۵۵۸، ۶۱۱؛ التوحید، ص ۲۲۹؛ معانی الاخبار، ص ۱۳، ۵۲، ۱۰۲، ۲۷۳-۲۷۴). همچنین شیخ صدوق در روایت از کتاب ابن فضال به روایت محمد بن ابراهیم بن احمد بن یونس معاذی از ابن عقده به سلسله سند ابن فضال نقل کرده است (التوحید، ص ۱۶۲-۱۶۳). روایتی طولانی رانیز از طریق محمد بن بکران نقاش (زنده به سال ۳۴۵ق. ر. ک: الرجال، طوسی، ص ۵۰۴) در کوفه از ابن عقده به روایت ابن فضال آورده است (التوحید، ص ۲۳۲-۲۳۴).

نمونه دیگر از نقل متون کهن توسط شیخ صدوق، نقل کامل رساله الحقوق عن علی بن الحسين علیه السلام تألیف عالم نامدار امامی، ابو حمزه ثابت بن دینار ثمالی است. شیخ صدوق در دو کتاب الامالی (ص ۳۶۸-۳۷۵) و من لا یحضره الفقیه (ج ۲ ص ۶۱۸-۶۲۶)

این رساله را با سلسله سند خود به مؤلف نقل کرده است. شیخ صدوق در بیان طریق خود به این کتاب می‌نویسد:

حدثنا الشيخ الفقيه ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي رضي الله عنه قال حدثنا علي بن احمد بن موسى قال حدثنا محمد بن جعفر الكوفي الاسدي قال حدثنا محمد بن اسماعيل البرمكي قال حدثنا عبدالله بن احمد قال حدثنا اسماعيل بن الفضل عن ثابت بن دينار الثمالي عن سيد العابدين علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب.

متن این رساله با تفاوت‌هایی اندک در دو کتاب تحف العقول (ص ۲۵۵-۲۷۲) تألیف حسن بن علی حُرّانی (قرن چهارم) و کتاب مکارم الاخلاق (ص ۴۱۹-۴۲۴) حسن بن فضل طبرسی (قرن ششم) آمده است. حُرّانی سلسله سند خود را حذف کرده ولی طبرسی همان سلسله سند شیخ صدوق را آورده، و می‌توان گفت که وی به اصل رساله دسترسی نداشته و آن را به واسطه شیخ صدوق روایت کرده است. سید ابراهیم میانجی (متوفی ۴۱۲ق) ترجمه فارسی این کتاب را با عنوان ترجمه رساله الحقوق (۱۳۵۹ش) به چاپ رسانده است. عباس علی الموسوی نیز متن این رساله را بر اساس متن تحف العقول با عنوان رساله الحقوق (بیروت، ۱۴۱۲ق) شرح کرده است. در مورد طریق نجاشی در نقل این کتاب ر.ک: الرجال، نجاشی، ص ۱۱۵-۱۱۶.

از مسائل مورد توجه روات امامیه، تدوین روایات ناظر به قضاوت‌ها و داوری‌های امیرالمؤمنین علی رضي الله عنه بوده که به عنوان یکی از مصادر مهم فقهی مورد استفاده فقیهان بوده است. یکی از این گونه متون کتاب القضايا امیرالمؤمنین تألیف عالم امامی ابو عبدالله محمد بن قیس بجلي (متوفی ۲۵۱ق) است که از روات حدیث از امام باقر رضي الله عنه و امام صادق رضي الله عنه بوده است. نجاشی از وی یاد کرده و گفته است که وی کتاب معروفی به نام القضايا دارد و سپس طریق روایت کتاب وی را یاد کرده است (ص ۳۲۳). شیخ طوسی نیز (الرجال، ص ۲۹۳) از بجلي یاد کرده و گفته است که وی کوفی و مؤلف کتاب المسائل بوده که عاصم بن حمید حناط آن را از وی روایت کرده است. شیخ طوسی در الفهرست، عنوان کامل تر این کتاب را آورده و از آن به کتاب القضايا امیرالمؤمنین یاد

کرده است. این کتاب یکی از منابع شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه بوده و از آن به این طریق نقل قول کرده است:

و ما کان فیه متفرقاً من قضایا أمیر المؤمنین علیه السلام فقد رویته عن أبی  
ومحمد بن ابن الحسن رضی الله عنهما عن سعد بن عبدالله عن  
ابراهیم بن هاشم عن عبدالرحمن ابن أبی نجران عن عاصم بن حمید  
عن محمد بن قیس علی ابی جعفر علیه السلام (من لایحضره الفقیه شرح مشیخة  
الفقیه، ص ۱۰۸).

این کتاب از منابع کلینی نیز بوده و به کرات از آن نقل مطلب کرده است. برای مثال  
ر.ک: الکافی، ج ۵، صفحات ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۲۰، ۲۳۵، ۲۴۰، ۲۵۱، ۳۹۶، ۴۱۰، ۴۳۰،  
۴۴۳، ۴۸۴، ج ۶، صفحات ۱۱۴، ۱۹۲، ۲۱۱، ۲۱۴، ج ۷، صفحات ۱۱، ۱۳، ۲۳، ۱۳۵،  
۱۴۵، ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۹۱، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۸،  
۲۳۹، ۲۶۴، ۲۸۴، ۲۸۶، ۳۰۷، ۳۱۷، ۳۶۷، ۳۸۴، ۴۲۸. مواردی که از این کتاب در من  
لایحضره الفقیه نقل شده، چنین است: ج ۲، ص ۱۲۳، ۱۶۸، ج ۳، صفحات ۱۹، ۵۰،  
۱۰۹، ۱۱۴، ۱۳۱، ۱۴۰، ۲۲۲، ۲۲۸، ۲۸۱، ۲۸۳، ۳۰۸، ۳۱۲، ۴۱۴، ۴۲۰، ۴۲۵، ۴۷۸،  
۵۱۰، ۵۴۴، ۵۴۸، ج ۴، صفحات ۲۴، ۳۸، ۶۳، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۷۲، ۱۷۷،  
۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۳، ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۲۲، ۲۲۷، ۳۰۷، ۳۱۸، ۳۲۷، ۳۳۶، ۳۴۲.

## کتابنامه

۱. اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، مسلم داوری، تدوین محمد علی صالح المعلم، قم، ۱۴۱۶ ق.
۲. اعلام الوری، فضل بن حسن طبرسی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۳. الاخبار الدخلیه، محمد تقی تستری، تهران، ۱۳۹۰ ق.
۴. الاقبال بأعمال الحسنه، رضی الدین علی بن موسی مشهور به ابن طاووس، تهران، ۱۳۶۷ ش.
۵. الامالی، محمد بن علی بن حسین مشهور به شیخ صدوق، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۶. الانتصار و الرد علی ابن الراوندی الملحد، ابوالحسین عبدالرحیم بن محمد الخیاط، تحقیق محمد حجازی، قاهره، ۱۹۸۸ م.
۷. الانساب، عبدالکریم بن محمد سمعانی، تحقیق: عبدالله عمر البارودی، بیروت، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م.
۸. تاریخ یعقوبی، احمد بن محمد یعقوبی، بیروت، ۱۹۶۰ م.
۹. تاریخ مدینه دمشق، علی بن حسن مشهور به ابن عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت، ۱۹۹۵ م.
۱۰. التوحید، محمد بن علی بن حسین مشهور به شیخ صدوق، تحقیق سید هاشم حسینی طهرانی، قم، ۱۳۹۸ ق.
۱۱. ثواب الاعمال، محمد بن علی بن حسین مشهور به شیخ صدوق، قم، ۱۳۶۴ ش.
۱۲. خاتمة مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیه السلام للاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۶ ق.
۱۳. الخصال، محمد بن علی بن حسین مشهور به شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. الدرر و الواقیه، رضی الدین علی بن موسی مشهور به ابن طاووس، تحقیق: جواد القیومی الاصفهانی، قم، ۱۴۱۴ ق.

۱۵. الذریعة الى تصانیف الشيعة، آقابزرگ تهرانی، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
۱۶. الرجال (فهرست اسماء مصنفی الشيعة)، احمد بن علی نجاشی، تحقیق: آیت الله سید موسی شبیری زنجانی، قم، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. الرسائل الرجالية، محمد بن محمد ابراهیم کلباسی، تحقیق: محمد حسین درایتی، قم، ۱۴۲۲ ق.
۱۸. رسالة فی التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام، محمد بن محمد ابراهیم کلباسی.
۱۹. سیر اعلام النبلاء، شمس الدین محمد ذهبی، تحقیق: شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت، ۱۹۸۱ م.
۲۰. الطوائف، رضی الدین علی بن موسی مشهور به ابن طاووس، قم، ۱۴۰۰ ق.
۲۱. علل الشرايع، محمد بن علی بن حسین مشهور به شیخ صدوق، قم، بی تا، افست از چاپ نجف ۱۳۸۶ ق.
۲۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی بن حسین مشهور به شیخ صدوق، تحقیق: سید مهدی لاجوردی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۲۳. فضائل الاشهر الثلاثة، محمد بن علی بن حسین مشهور به شیخ صدوق، تحقیق: میرزا غلامرضا عرفانیان، قم، بی تا، افست از چاپ نجف ۱۳۹۷ ق.
۲۴. الفهرست، محمد بن اسحاق بغدادی مشهور به ابن ندیم، تحقیق: رضا تجدد، تهران، ۱۳۹۱ ق / ۱۹۷۱ م.
۲۵. الفهرست، محمد بن حسن الطوسی، تحقیق: محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، ۱۳۵۶ ق.
۲۶. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۲۷. کتابخانه ابن طاووس، اتان کلبرگ، ترجمه رسول جعفریان و سید علی قرائی، قم، ۱۳۷۱ ش.
۲۸. کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی بن حسین مشهور به شیخ صدوق، تحقیق:

علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۹۵ ق.

۲۹. مثالب الوزیرین، ابو حیان التوحیدی، تحقیق: ابراهیم گیلانی، دمشق، ۱۹۶۱ م.

۳۰. مجله علوم حدیث، «نکاتی درباره اهمیت آثار شیخ صدوق»، محمد کاظم رحمتی، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۹۶-۲۴۹.

۳۱. مجله کتاب ماه دین، «تصحیح یک سند در آثار صدوق»، حسن انصاری قمی، شماره ۴۹-۵۰، آبان و آذر ۱۳۸۰ صفحه ۴۵.

۳۲. معانی الاخبار، محمد بن علی بن حسین مشهور به شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۱ ش.

۳۳. معجم الادباء، یاقوت بن عبدالله حموی، تحقیق احسان عباس، بیروت، ۱۹۹۳ م.

۳۴. معجم رجال الحدیث، آیت الله سید ابوالقاسم خویی، بیروت، ۱۹۸۳ م.

۳۵. مکارم الاخلاق، فضل بن حسن طبرسی، قم، ۱۴۱۲ ق.

۳۶. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن حسین مشهور به شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۱۳ ق.

۳۷. میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، سید حسین مدرسی طباطبایی، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم، ۱۳۸۳ ش.

دو فصلنامه



شماره اول

بهار و تابستان ۸۵